

۲۵۹۹

۳۶۱
۲۶



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

داده



۳۵۹۹

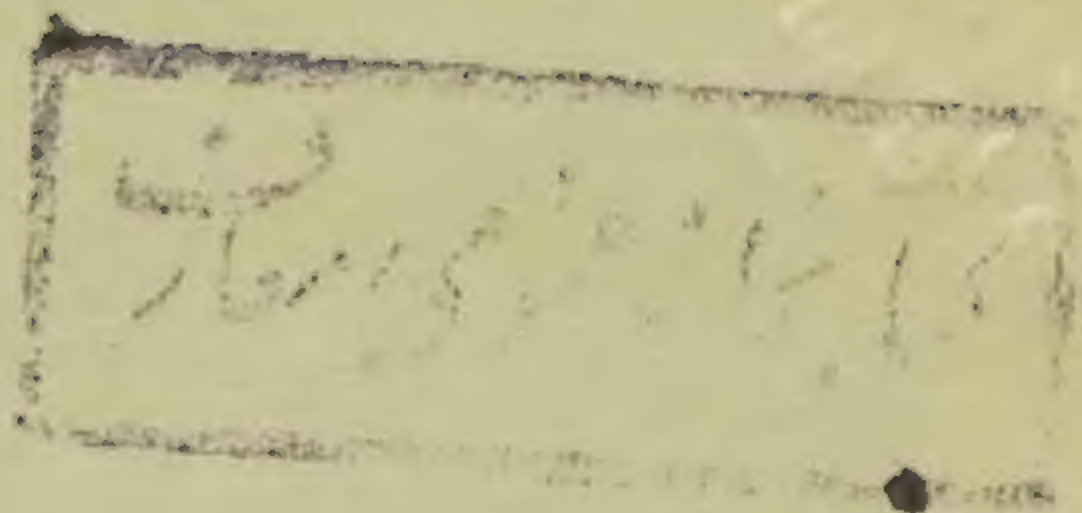
۱۱۱

۱۱۵۹

۱۱۵

۳۹۱۱





بسم الله الرحمن الرحيم

بنامیزد همت شاهنشاه فلک درگاه شهریار اعظم حجب

ابدالدعیشه و ایدالدعیشه را که پیوسته در مشیت رموز

ملک و ملت و تقویت امور دین و دولت با جہدی

وافی و غرضی کافی است و با شارت جناب صدر

امیر نوین اعظم و صدر معظم مد ظله العالی معلم دانا و مہندس

کامل موسیو بولر شریب فرانساوی رساله مختصر در قواعد



امور

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



۳
امور اردو و معسکر مرقوم نموده و محمد حسین خان قاجار ترجم

بعباری و واضح ترجمه و بر ساله معسکریه موسوم داشته بجهت تعدد

آن علام درگاه رضاقلی ناظم دارالفنون چندین نسخه در

مطبع دارالخلافه مطبوع و بعدا کر نصرت آثار که در سرحد

ممالک محروسه بخدمات مامورند مرسول افشا و اول

برسی و دومزه است منز اول در تعریف اردو و زدن

و دقایق آن و آن عبارت از غنایین محل مردان و اسب

گروههای مختلف یک قشون است در زمینی که سردار قشون

جهت افتادون اردو مشخص نماید و باید ترتیب جایها

ببجی باشد که از مکانی بمکانی بی رحمت تردد نمایند و در

زمان جنگ یا کوچ با کمال نظم و آسانی از آنها عبور

بتوانند نمود منز دوم فواید اشخاب یک محل بجهت اردو



زودن جایگاهی را که لشکر این منزل میکنند و پیش روی
اردو را که لشکر این دشتبان میازند فرنت اردو نامند و
اردو را همیشه عقب و نزدیک میدان جنگ میزنند و طرح
آن عمل صاحب منصبان است چون بغیر من محل توفیق و
در محاصره و جنگ را آنهاست لازم است که علم و تجربه
بطریق اجمال بداند و اصل در انتخاب اردو این است که
مناسب اعمال و حرکاتی باشد که مأمورین اراده کردن آنها
داشتند باشند و در اردو زدن سعی نمایند که قشونات
کریز گاهی بعقب داشته باشند که اگر شکستی روی دهد
پشتن آنها آسان باشد و در راست و چپ اردو
رودخانه یا سیلاب یا کوه یا موانع دیگر باشد تا طر
ف راست و چپ لشکر را از دست برد دشمن امین دارد



۵
وزین پیش روی اردو مناسب عمل متروک و تفنگ باشد

یعنی صاف و کمون باشد و در بند مادر داشته باشد که اگر

نخواهند بر سر دشمن تاخت پیاورند راه داشته باشند و

مکان اردو را بقدر امکان نزدیک بجایائی قرار دهند که

بآسانی از وقه آورده شود و هواش سرد و سالم و نزدیک آب

و جنگل و چمن باشد که جمیع اینها از لوازم است در چنگ

اینها اهل نخلند تا بتوانند آنجا را حراست نمایند

و نیز مکانی را انتخاب کنند که عرصه گاه آن دو میدان

جنگ داشته باشد یکی مناسب حال محاربین اردو

دیگر مخالف احوال تاخت آورندگان دشمن اما مناسب

حراست آنست که سپاه از راست اردو و چپ آن و

از پشت به پیش اردو و بجهت امداد و یکر دیگر گردش بتوانند کرد



و زمین از دو بر زمینهای مجاور بقدر تیررس توپ سرکوب باشد
و زمینهای اطراف قلا بقدر تیررس شمشال و ساچمه توپ باشد
که دشمن نتواند یکی اردو شوند پیاید و جنگ و سنگها و قریهها داشته
باشد تا اینکه جانب راست و چپ و بعضی ارفتمتهای ضعیف
بآنها تکیه کنند بی آنکه زحمت و سحی در حرکت لشکر وارد
پناید و جای اردو و قسمی باشد که قشون از نظر دشمن پوشان
پوشیده بماند تا زمان جنگ و نیز بلندبهای مکان اردو
با طرف اندکی صاف و سر ازیر باشد و در آن سر ازیر کیسج
چرخ زمینی نباشد که دشمن را بواسطه آن نه بینند میدان
جنگ مخالفت اخذ آورند کان آنست که بر هر طرف بقدر
تیررس توپ و تفنگ سرکوب باشد و در هر طرف آن
میدان با تلاق و رودخانه و سیلاب و شکله باشد که دشمن



بآسانی بتواند پیش پاید اگر چه در حالت ستون باشد
و بتواند صفهای خود را برای جنک کردن از یکدیگر بکشد
و تکرر کلوله بر سر آنها بسیار دینی انگه ضرب بسیاری از آنها
برسد اگر اردو در جانی اتفاق افتد که این دو میدان جنک
ممکن نشود هر قدر که ممکن است بقاعده سنکر سازی اردو را
استحکام دهند که جمیع ترجیحات زمینی برای قشون حاصل شود
و اشکالات مذکور برای دشمن روی دبد نموده سیستم در صوبه
کلیه قواعد اصلیه در اردو زدن دو اصل معتبر بار کردند
اول آنکه لشکر در حالت دشتبان مساوی با فرنت اردو
باشد ثانیاً آنکه لشکر با کمال نظم و چابکی از اردو میسازد
جنک و از آنجا باز بار دوپایند از اصل اول این قاعده
لازم می آید که فرنت اردو با فرنت دشتبان مساوی باشد



و از اصل دویم قاعده دیگر که ترتیب اردو و مثل ترتیب و ستبانی
باشد باین معنی که چادر و اسباب هر فوج و هر دسته در عقب

خودشان باشد اصل دیگر که ناپلیان قرار کرده است این است
که اردوی سپاه باید بطوری زده شود که بتوانند یکدیگر
کمک داد نمایند و مثل سگ مسکفته که هر سپاهی که
پشت بنداشته باشد آنرا سپاه سخت خورده شمرند
نمره چهارم در حرم و احتیاطاتیکه لازم است بجا آورده
شود که تا اعمال اردو و بخاطر جمعی انجام بگیرد یک لشکر هر قدر
که ممکن است در حفظ و نگه داری خود سعی نمایند و مبدء

باین خیال باشند که مبادا خللی در کار ایشان پیدا شود یا
اینکه دشمن که در برابر آنهاست بایشان غفلت یا خفت و حمله

پیاورد باین ملاحظات هر احتیاطی که ممکن است باید



بجا آرند و اردو را بقسمی ترتیب^۹ دهند که همیشه آماده دفاع و استعداد
قتال باشند و بنابه عادت باید جمعی زیاده و سواره بسک
در پیش بفرستند تا اینکه جایهای محکم را که قابل حراست اردو
باشد متصرف شوند و همان ساعتی که قشون بمنزل میرسد
جایها مشخص میشود باید در پیش روی اردو دشتبان بپایند
که فرنت و خطوطش بقاعده یا بی قاعده موافق دستور العمل
سردار باشد چون چنین کردند هر یک از لشکریان در حالت
حمله جایهای مخصوص بخود را می شناسند مگره پنجم در
علوم که لازم است برای اردو زدن یک لشکر دانستن
شش چیز بجهت اردو زدن اول ترتیب وضع اردو و دوم
قرار تومان و اجزای تومان سیم اندازه زمین که در یک
صف دشتبان برای پیاده مردما و اسبها لازم است

و همچنین مسافتی را که میان افواج فاصله باید گذاشت چهارم
 ترتیب وضع جنک بنحویکه موافق آن باید جنک پرداخت
 پنجم در امتداد و طول فرنت افواج که بجهت آنها اردو باید زده
 شود ششم ترکیب و اندازه چادر یا خانها ^{به قشون} یکدیگر در میان آنها
 و اسباب آنها جا گرفته شود نهم ششم در تعریف چادرها و
 صورش در شکل اول و دوم نقشه اول در آخر رساله ثبت است
 پنج فقره گذشته اول متعلق است بدیس مهیدات جنکی که در
 مدرسه نظامیه خوانده میشود اما فقره ششم که عبارت از طرح
 و اندازه چادر یا خانها است از شکل اول و دوم و سیم
 بقدر کفایت معلوم میشود وضع چادر زدن بطرز قدیم در
 شکل دوم از نقشه این رساله طولش سه متر و سی و پنج خمر از
 یکصد خمر متر است و عرضش دو متر و هفتاد خمر از صد خمر

متر زرع فرانسه است و زرع ایرانی مرکب است از یک متر و
 چهار جبر از صد جبر متر که تقریباً سه زرع طول دارد و زرع عرض
 میشود دو ستون به بلندی دو متر دارد و روی آنها بعضی
 کماچه چوبی به بلندی دو متر میگذارند که قرار سقف چادر
 بر اوست یک طرف آن مدور و طرف دیگر مقابل راست و در
 از طرف راست است محشرش اینکه چادر یکسری طبل است
 و برای هشت پیاده است و وضع چادر بطرز تازه در شکل اول
 نقشه ثبت است و پیکانش این است که طولش شش متر و عرض
 چهار متر است و در دو طرف آن مدور و درش یکی از دو
 طرفت یک ستون به بلندی دو متر و نیم دارد و در سر ستون
 چوبی به بلندی دو متر بعضی کماچه میگذارند و ترکیباً شکل چادر
 قلندری است این قسم چادر برای جای پانزده نفر پیاده

یا بهشت سواره یا بهشت توپچی است و اطراف چادر را راجوی
 میکنند برای حفظ از باران که آب در چادر نیاید اما ذکر
 بنای خانها در محل خودش خواهد شد ممره هفتم در اردو
 زدن پیاده و سواره پانزده است که یک طالبان
 پیاده راقه واحد گیرند و دو با طالبان راقه و پچین
 یک اسکا دران سوار راقه واحد شمارند و دو اسکا دران
 دو راقه دانند پس هر با طالبان و هر اسکا دران بمنزله یک
 واحد و چون ترتیب اردو زدن یک طالبان پیاده و
 یک اسکا دران سواره دانسته شد اردوهای بزرگ را هم
 از آن قرار میتوانست ترتیب دهند ممره هشتم در اردو زدن
 یک با طالبان و فورمول برای تعیین فرنت اردو یا
 فرنت دشتبان یک با طالبان موافق ترتیب داده شده

و بکار بردن فورمول در یک باطالیان که مرکب است از
هشت دسته و صورتش در شکل چهارم از نقشه دوم ثبت است

فرنت اردو مساوی فرنت دشتبان باید باشد فرنت
دشتبان یک باطالیان را یکت قوت و یکت ترتیب مطلق

اعتبار میکنند ترتیب دشتبان مرکب است از قطارها

تمام و از قطارهای تا تمام و قطار تمام عبارت است از دو

یاسه نفر است که در پشت سر یکدیگر ایستاده باشند و هم شان

باشند و قطار ناقص آنست که چه پیشین باشد مثل آنکه ویلی

در عقب سر سلطانی بایستد فرض میکنیم که N عدد سر جوقها

و سر بازهای باطالیان باشد m عدد صفوف پس $\frac{N}{m}$

عدد قطار تمام خواهد بود و همچنین فرض میکنیم که c عدد دشتها

باشد $c + 1$ عدد قطارهای ناقص خواهد بود و بجهت ویلی

که در چپ باطالیان است پس عدد جمیع قطار با این خواهد

شد $\frac{N}{n} + c + 1$ چون فرنت یک سیاه مساوی به پنجاه جز

از صد جز متر یا پنجاه و پنج جز از پنجاه متر است پس فرنت

باطالیان و بکذا فرنت اردوی به این فورمول بیان شود

متر $۵۵ \times (\frac{N}{n} + c + 1)$ و تعریف فرنت

اردوی یک باطالیانیکه از نهشت دسته مرکب باشد و

هر دسته هشتاد نفر غیر از صاحب منصب از برای آنکه عدد

سرازم و سرجو قهای یک دسته هشتاد و پنج است و هر دسته

پنج و کیل در اردن با این فورمول بیان میشود $N = ۲۵ \times n = ۶۰۰$

و هرگاه n را مساوی سه فرض نمایم با این طریق

$n = ۳$ در این صورت فورمول چنین میشود

$$۱۱۴,۹۵ = ۲۵۹ \times ۵۵ = ۹۵ = (\frac{۶۰۰}{۳} + ۱ + ۱) \times ۵۵$$

این اندازه مساوی فرنت اردو خواهد بود فرنت اردو که معلوم

شد و زمینی طرح میکنند که پست زرع عقب و شبتان

و محاذی بآن صف باشد چادرهای سر باز را در روی یک

خطی که عمود است بر فرنت اردو میزنند بهمین طریق یک

سلسله از قطار میبازند عدد قطار مساوی بعد دستهاست

در صورتیکه باطلایان کمتر از هشتصد نفر باشد و مساوی

بعد دینم دست است و قتیکه بیشتر صد نفر یا زیاده باشد از یک

آنکه طول اردو زیاده نشود باطلایانیکه فرض شد قطار چادرها

بشماره دستها باشد و آن هشت قطار چادر دارد که دو قطار

راست و چپ قطار طاق است و سه قطار وسط قطار

جفت و فاصله قطارهای جفت از هم یک کوچه است

که دو متر عرض است از جهت رسم چادرها چون در پیش کشید

که پهنای چادرهای تازه چهار متر است در هشت قطار پهن

آنها سی و دو متر میشود و شش متر مسافت سه کوچه میان

قطارهای جفت که سی و هشت متر است از فرنت اردو

تفریق کرده باقی که بمقدار شش متر و نو و پنج جز از صد جز

متر است عرض کوچه‌های بزرگ است که در میان قطار

باقطار جفت و قطارهای جفت است که عدد آنها مساوی

نصف عدد قطار چادرها است یعنی چهار است این در

صور نیست که عدد قطارها جفت باشد و بشماره نصف عدد

سوای واحد در صورتی که عدد قطارها طاق باشد

بر این یک قطار برابر است یا بچپ اردو خواهد بود و چهار کوچه

بزرگ خواهد داشت که عرض هر یک ۲۳ ، ۱۹ متر $= \frac{۲۶}{۴}$

میشود و عرض کوچه‌های بزرگ کمتر از شش تا هشت متر نباید باشد

تا در وقت پرون آمدن سر باز و جمع شدن آنها کار سهل باشد
 و فاصله میان باطلایانها موافق قرار نامه بیست و چهار
 قدم باشد تا زده زرع باید باشد و فاصله میان افواج سی و
 شش قدم بایدست و چهار متر است و در سواره کمتر عرض
 کوچه های بزرگش از شش تا زده تا هجده زرع است و کمتر از
 این نمیشود از برای اینکه اسبان را بتوانند و صفحه بنهند
 نموده نهم در اردو و زدن یک اسکا در آن یعنی یک دسته
 سواره که عدد آنها صد و بیست است و فورمول برای تعیین
 فرنت اردو یا فرنت دشتیان یک اسکا در آن تشریحی
 که داده شده بکار بردن فورمول در یک اسکا در آن که مز
 از چهل و هشت قطار است صورتش در شکل پنجم از نقشه
 دویم است موافق عملی برای اردوی یک باطلایان

۱۸
بجا آورده شد و اینجا نیز صف دشتبان یک اسکا دران

یا جمعیت تقریبی که دارد پیدا می کنیم و فرض می کنیم که N

عدد سواره و سرجوقه و دو وکیل باشد و m عدد صفوف

در این صورت $\frac{N}{m}$ عدد قطار تمام خواهد بود و عدد

قطار یا تمام همیشه دو است و زیاده نیست و چون جمیع قطار یا

$\frac{N}{m} + 2$ است و چون فرنت یک سواره تقریباً از یک

زرع تا یک زرع یک چارک است بنابراین فرنت اسکا دران

و فرنت اردوی آن باین فورمول پسان میشود...

۱، ۲ $(\frac{N}{m} + 2)$ و بکار بردن این فورمول در اسکا درانی

که چهل و هشت قطار باشد از عمل چنین بر می آید که شصت

متر باشد اسکا درانی که چهل و هشت قطار باشد اردویش را

صد بر صد میزنند برای آنکه اگر دو دسته بزنند طول اردو

زیاد شود اگر از چهل و هشت قطار که تا باشد چادر را چهار

صفه میزنند باینطور که دو صف است و چپ طاق و یک

قطار جهت در مرکز از فرنت اردو بجهت زرع که محل چپ

قطار چادر و کوچه کوچک است تقریباً مسکن باقی چهل و

دو زرع میماند که عرض دو کوچه بزرگ است که هر کوچه بیست و

یک زرع است و در میان اسکا درانهای یک فوج راج

فاصله میکند از نشتر اسکا دران یک فوج است و هر اسکا دران

صد و بیست نفر است ولی یک فاصله از بیست متر است

متر مابین افواج را قرار میدهند و فاصله اردوی سواره

و پیاده از هفتم یا نهم زرع است نهم دهم در دین

عرض اردو صورتش در شکل چهارم و پنجم از نقشه دوم ثبت

و عرض اردو مرکب است از عرض اردوی سربازان و فاصله

معلومه که بکار بعضی از اجزای دیگر اردومی آید قرار این اندازه ها
در قانون نامه بطوری تقسیم کرده اند که در هیچ جزا اردو
اعتشاش و احتمالی وارد نیاید اما فاصله اردومی سربازها
فاصله است که تغییر بردار است پس مسافت اردو بسته است
بعد و چادرهای که در هر قطار است عدد چادرها را تقسیم
نمودن عدد مردهای که در یک قطاری بایست باشند بعد
مردهای که میتوانند در یک چادر منزل کنند معلوم نمایند
به عرض یک از عدد این چادرها حاصل میشود میباید در اردو
پیاده بقدری دو متر را افزود که در آن اردو عدد چادر است
بمقتضای یک یا بمعنی که از عدد چادرهای که را بقدری کنند
باقی میماند بقدر آن دو متر عرض اردو میفرایند و در اردو
سواره عمل همان است مگر آنکه عرض اردو را بقدر پنج ذراع بر عدد

چادر را بپقرانید فاصله میان صفهای چادر سواره پنج زرع است
از برای آنکه در آن فاصلهها چوکاها بگذارند و فاصله میان
صف چادرهای آخری با چادرهاییکه پیش از آنها واقع است
ده زرع است برای آنکه چوکاها صف آخر چادر سواره را نزدیک
باتش آتش پرخانه نباشد مساوی جهت همسایگی آن آتش بکند
سخت را در رسم اردو دراز نمیکند و نیم از برای آنکه در شکل چهارم
و پنجم نقشه دویم با ابعاد اضلاع در طول پریشان تمام
باطالیان و اسکا در آن معلوم میشود اما ریختن طرح اردو بواسطه
سه ریسمان فرنت و طول و عمود صورتش در شکل ششم
از نقشه ششم است طرح اردوی باطالیانها و اسکا در آنها
بواسطه سه ریسمانی است که از اجزای لازم اردو زنند و گاه
و آن سه ریسمان فرنت و ریسمان طول و ریسمان عمود

نامند تقیما تیکه بد و ریمان اول نشان کرده میشود بجهت قرار

دادن نیازال جمیع اخزای اردو دست در روی زمین و اینها

عمود یکدیگر باید باشند بجهت قرار دادن آنها را مثلثی حاصل میشود
عمود یکدیگر رتیمان عمود یکدیگر رتیمان
از این محل

که نسبت سه طرفش یکدیگر مثلث نسبت سه چهار و چهار

به پنج است باین واسطه آن مثلث قائمه الزاویه است

طرف صورتش در شکل ششم در امتداد خطی است که

بآن یک عمود میخوابند اخراج کنند که امتداد آن از

امتداد طرف ب ش داده میشود نمره دوازدهم اردو

انداختن توپخانه صورتش در شکل ششم از نقشه سیم است

بدانکه اردوی توپخانه را در عقب اردوی پیاده و سواره

مینورند توپچیهای سواره در راست و چپ میباشند

چون عمل توپخانه بطور دسته است تا نیز در اینجا عمل اردو

انداختن یک دسته را بیان میکنیم که دانستن آن بجهت عمل
 تو بخانه کافی است میگوئیم که یک دسته توب مرکب است
 از شش آتشخانه باینقرار توب شش پوند چهار عراده قنور
 پست چهار پوند و دو عراده این دسته متعارفی است اما
 دسته پست بند مرکب است از چهار عراده توب و دو
 پوند و دو قنور شش اینجام اشخاصیکه برای یک دسته توب
 لازمند مرکب است از یک دسته توبچی پیاده یا یک دسته
 توبچی سواره و یک دسته عراده کش یعنی اشخاصیکه حمل نقل
 اسباب و یا محتاج میکنند و اسباب هر سه مرکب از شش
 آتشخانه و چهار ده عراده صندوق است اول دو عراده
 برای یک توب و سه عراده برای یک قنور و وقت ادق
 یکی شش عراده صندوق فشک سر بازی و دو عراده

قومان و یک عراده اسباب آتشی که جمیعاً سنی و یک
 عراده است و در دست است بنداز بابت آنکه تو بهما
 و از ده پوند است چهار صندوق زیاد دارد که عقب
 هر توب سه صندوق است هر یک از این شش آتشخانه
 و هر یک از این شش عراده صندوق و عراده اسباب
 آتشی را شش سب می بندند باقی عراده ها را چهار سب
 اردوی توپچی صورتش در شکل چهارم از نقشه سیم
 مرکب از چهار اردوست که A و B و C و D باشد
 فرنت اینها موازی است با امتداد اردوی پیاده
 و سواره که بعقب آنها گذشته میشوند هر یک از این دو
 دو قطار دارد و قطاری چهار چادر و فاصله میان
 قطار با یک کوچه بزرگی است که عرضش شصت متر است


برای اینکه اسبها را در آن گنبد کنند مثل اردوی سواره
و طول قطار با چهل متر است بطوریکه فاصله میان چادها
برای گاه و جو کند اشتن چهار متر باشد و فاصله میان
اردوی A و B شصت و چهار متر است از برای
اینکه سی و یک عراده را به قطار در این فاصله گذارند
و فاصله عراده با از میل میل تخمیناً چهار متر است و فاصله
اتحاد قطار چهارده متر و نیم است بطوریکه از هر چپ
بزرگ که در عراده های صف پیشین است تا چرخهای
کوچک که در عراده های صف عقب چهارده متر و نیم باشد
و اردوهای C و D که بحسب اندازه مثل اردوهای
A و B باشد فاصله چهارده زرع عقب عراده
باشد که به چلوئی هم متصلند عقب این اردوهای A

در وسط بفاصله هشت متر است و در مرکز چادر صواب
 منصبان است سه اردوی A, B, C برای اعزاده
 و سه قطار اعزاده است و اردوی که بطرف راست است
 برای مکان توپچهها است و ترتیبش مثل ترتیب سواره
 پیاده است موافق آنکه عمل بسته توپخانه یکدسته
 توپچی سواره یا یکدسته توپچی پیاده است و اینکه عمل
 اردوی مهندس چه باشد و قورخانهها را کجا باید انداخت
 تفصیل نداده احتضار میکنیم باینکه این اردو ما مگر نباید از
 قورخانهها نیکو عقب آنها اردوی سپاه را بطوری طرح
 میکنند که هرگز بقدر امکان نزدیک باسباب آلات
 مخصوصه منتشر نباشد منزله سیزدهم در خصوص قراول
 اردو در پیش فکر شد که ایمنی اردو بواسطه قراولخانه پیش

قراولان است که در پیش روی اردو و جانب رست
 و چپ‌سند غیر از آن قراولان بفواصل صد و چهل متر یک
 قراول مخصوصی در پیش روی برابر طالبان می‌گذارد
 قراولخانه‌های آنها را بر یک سطر خندک می‌سازند که بر
 آن بقدر جا که رفتن و وارده نفر است از این سطرها هم
 سه نفر جدا شده بفواصل پنج متری پیش می‌روند اینها را
 قراول فدائی می‌نامند و همین این سه نفر برای این است
 که اگر در پیش حیرت باشد نزد قراولان مخصوص
 برگشته به تیر تفنگ یا علامت دیگر سپاه را آگاه سازند
 تا اینکه سپاه آماده جنگ شوند نمره چهاردهم در
 اردو و تیرخانه می‌سازند خانه‌هایی را که از رسته و گاه کل می‌سازند
 صورتش در شکل سیم از نقشه اول است بعضی اوقات می‌شود

که شکر محتاج بخانه ساختن میشود بنا بر این بنا کردند و آن را در
شنا سانی این نوع اردو سعی و وقت تمام لازم است
آنچه در اردو در باب چادر ذکر شد در این اردو نیز جایها بهمان
طور است مگر یک تفاوت خاص که سلطانها بناهای
در یک صف بنفاد میگیرند صورتش موافق شکل چهارم از
نقشه دوم است اما در اردوی چادر و خانه سوار و اجتناف
زیاد است چنانچه در شکل دوم از نقشه دوم ملاحظه میشود
ساختن این اردو در بعضی از زمان و در فصلهای بد لازم
بجهت آنکه در پسین اوقات برف و باران مکانی را لازم
دارند که قرار و استحکامش بیشتر از چادر باشد این خانه را
یا از خنجره و یا از کاه گل میسازند خانه را که از خنجره میسازند صورتش
در شکل سیم از نقشه اول ثبت است و طور ساختنش

این است که بر چهار گوشه یک مربع طولانی در وسط^{۲۹}
ضلعهای طولانی و اگر لازم باشد تیرکها نصب کنند که دو
بدو بواسطه چوبهای کوچک سرشان را بالا بستم و سوار
و بر وسط دو ضلع اقصر نیز دو عمود نصب میکنند که در
تراز تیرکهای اول باشد و بر روی آن ستونها چوب
انداخته و روی آنها را به تختهای کوچک که بر روی سیم
بقدر چند انحست سوار باشند می پوشانند از جهت آنکه
اندرون اطاق خوب محفوظ بماند اما صاحبان خانه
گاه کلی بدانکه بسیار کم میشود که اسباب صاحبان خانه
تخته برای شکر زیاد در همه جا ممکن شود تا آنکه آنها را
از خدمات هوا محفوظ دارد باین واسطه بیشتر اوقات
خانه گاه کلی میسازند و بام او را از گاه و کاشش و چکانی

و غیره می پوشانند و مابنای یک خانه می خواهم بگذاریم که
برای شاترزه نفر باشد موافق قرار نامه باید طولش شش قدم
که هر قدمی دو پا باشد و در هفت قدم عرض باید باشد این
خانه یک استخوان بندی میخواهد که چهار پنج فرم کوچک
داشته باشد و فرم این ترکیب است  و این
مرکب است از دو پایه و دو خرابا و یک عیجه عیجه به اصطلاح
بخاری چوبی را کوبند که بجهت محکم کردن دو پایه در میان
آنها قرار میدهند پایها را با یک زرع زمین فرو
کنند یا بروی یک تخته پیکری با هم جمع کنند و در
صورتیکه چوبها بخاری کرده باشد اتصال خرابا با پایها
یا به نیم و نیم کردن و منیج کوفتن است یا بشا خدای تلزک
و ملایم و ریسمان پچیدن است و اتصال خرابا با یکدیگر

یک غیجه است که دوزرع بالاتر از زمین باشد و نیز از
 داخل پاهای میان بند و رو بندای دیگر میزند که استحکامش
 بیشتر شده باشد و در میان زاویه که از کدشتن بر خرما یا
 از یکدیکر بهم میرسد چوبی می اندازند که سر را م خانه بر او
 محکم می فرمایند بواسطه این چوب و چوبهای دیگر است
 که بر خرماها و در دستکهای کوچکی که در میان فرمهاست
 قرار میدهند و ترکیب این خانه نزدیک ترکیب چشت
 که سر آنها را بطریق شیروانی درست میکنند استخوان
 بندی سبکی که روی آنرا پوشانند چنین چیزی است
 اما در پرون و درون خانه درشادی که میان فرما
 و دستکهاست گاه کلی را که شاخهای باریک کوچک
 در آن کرده باشند و فاصلهای که میان دستکهاست

بروی یکدیگر میکذارند و مسافت این دستکها از یکدیگر بقدر
 سی جز از صد جز یا پنجاه جز از صد جز باید باشد بعد روی آنرا
 با گاه کل میالند یا آب آگ سفید میکنند و درون خانه
 یک خوابگاه سفری لازم است چرا که بهتر است که مردم
 روی زمین نخواهند و ساحش آن باین طریق است که اول
 با چوب پاره مربعی که بافت او مثل سبب باشد ^{میشند}
 که دو زرع طول و یک زرع عرض است و چهار گوشه
 ۱۰. او را بچهار منج استوار میکنند که بمقدار یک زرع ^{سی یا پنجاه جز از صد جز} در هر
 زمین بلند باشد و روی آن گاه ریخته کوب باره و رخت
 خود را با شن کرده منج خواهند و بجهت ساحش خانها شاه
 در حی که سیزده زرع طول و هشت جز از صد جز ^{میشند} قطرداشته
 باشد میتوان بکار برد بام خانه را از قطعات چمن که باطل

۳۳
پیرید یا سهند میتوان پوشانید همچنین خاکخار را یک ذرع
پائین تر از زمین میتوانند بسیارند نمزه پادشاهم در کا
وکا شمان و کا مپمان از قرار قاقان نامرودانکه کا مپ
مطلق اردو را گویند اعم از آنکه چادر باشد یا خانه باشد
یا خانه باشد یا هیچکس اینجانب باشد کا شمان اردوئی را گویند
که در دیات نزدیک یکدیگر افتاده باشد کا مپمان اشخاص
مامور بآباد کردن محل اردو را گویند چه در صحرا باشد
و چه در دیات نمزه شانزدهم در اشخاب و ترکیب
سردار پیش از آنکه حرکت کند بقدر امکان باید حکم
بشناختن محل اردو بکند اشخاب و ترکیب اردو
برای سردار است و اگر اردو اردوی کوچ است ضابط
منصبی که مامور به تقسیم محل اردو است محلی را مشخص کند

۳۳
ز دیک بآب و حیثی و آبادانی باشد و سهل العبور باشد
نیش در فراهم آوردن اسباب آسایش لشکر باشد
یار دوار دوی یک صد لشکر است یا اردوی سحر
ری است و میخواهند عدد لشکر را بنظر دشمن زیاده نماند
فوج و بزرگی اردو بسته بر رای سردار و قصد است که دارند
نمره بقدیم در اینکه نامورین بهیام نمودن اردو چه کنند
نامورین بهیام نمودن اردوی یک فوج مرکب است
از یک اجودان یا دوی یک اجودان و یک دسته از
وکیل و یک سر جوقه و دو سر باز و تسیکه اردوی طایفه
میخواهند از همدیگر جدا نزنند هر اجودان با کامپان
فوج خودش حرکت میکند جادادن افواج در دوات
یا در اردو جمع کردن آنها و تقسیم آنها و اگر کریمه و داروغه

بهمهراهِ کاپه‌مان حرکت بکنند تا نیکو تقسیم جمیع اسبها
 با سر دار است و سر دار میتواند همراهِ کاپه‌مان از افواج
 دستها و اسکا در آنها روانه کند در صورتیکه فرستادن
 آنها را از جهت اطمینان حرکت خود شش لازم بدانند تا شکها
 و دُمات و جمیع جاها نیکو لازم است متصرف شوند
 و اسبهای یدکی را بسبب عذر همراهِ کاپه‌مان میفرستند
 منزله بیجدهم در اجتماع کاپه‌مان و تکیه سر دار بتواند
 از پیش کتبه آماده ساختن اردو آدم روانه نماید رئیس
 اماثر را در این باب سفارش میکند که اگر حاصل را
 برنداشته باشند احتیاطات لازم در باب اطمینان
 از جهت آذوقه را رئیس اماثر در بجا پادرد که ضایع و
 تلف نشود رئیس اماثر را از قشون کاپه‌مان نشان را بطلبند

۲۶
و میگوید که یک صاحب منصب بزرگ تا اثر ما مور بهما

شماست و اگر از صاحب منصبان مهندس در اردو

باشند یکی از آنها را همراه صاحب منصب تا اثر میفرستند

از برای اینکه شناسائی درستی از محل اردو بهم رسانند

نقشه او را بردارد که چه جا را سنگر سازد و چه جا را معبر

سازد و نمره نوزدهم در تکالیف اجدان یا ورکا پیمان

اجودان یا ورکا پیمان باید شناسائی جاهای آب را

داشتن باشد یا شناساند جاهایی که آب میتوان برداشت

و خطرگاه ها را که عبارت از نزدیکی دشمن یا چیز دیگر باشد

معلوم کرده نشان بگذارد و برای آسان کردن راهها

بجسته عبور اگر کاری لازم شود کرفهای داروغه یا اسل

آن بلد انجام میدهند و نیز شناسائی داشته باشد

۳۸
انداختن سپید بند و قتیکه ابل ارد و مبتزل میرسد
برای آنکه همه در یکجا جمع شوند پیاوگان در فرست ارد
صفت میباشند و سواران در عقب اردوی خودشان
می ایستند و امیر تومان تا و میر خجما بقدر امکان در منزل
دادن سپاه تعجیل میکند خاصه قتیکه راه بسیار فرته
و مشقت پشمار کشیده باشند و هر بر یکا و میر پنج شصت
سوارگان را و در هر فوج سرنیک بصاحب منصبان بزرگ
و افرمان ده دستها و با جودان یا و را و ا جودانهای
مجموعه در دایره را حکم میدهد و آردالی عقب سلطانهای
خود را حکم میدهد و مقصود از این حکم معلوم نمودن عدد
اشخاص است که افواج بکجه قراولی اردو باید بدهند و برا
تعیین بس ساعت و محل تقسیمها که هر قسمتی بجا و چه ساعت

۳۹
ولی چه بسا وند و قراولان کمکت که باید با آنجا بنشینند
و انجام دادن کارها برای مربوط نمودن جایها پسندید
محکم کردن قراولخانه و ترتیب دادن امورات متعلقه بکوج و
چیزها نیکه باعث نظم اردو و خدمت داخل و خارج آن است
حکم میدهند و حکم خدمت را اجودان یا ورواجودان همیشه
میدهند سلطانها با و از بلند بستهای خود حکم میدهند
و بان حکم سپادات لازم را جمع میکنند اهل خدمت را
وکیل باشیها حکم میدهند جمع کردن قراولان یا ورواجودان
همینکه جمع شدند بی تاقل بقراولخانههای خود میروند و فرود
نمیست دوم در وروبار و ترتیبات مقدم که حاصل
شد بدق هر باطالیا نرا در وسط آن نصب میکنند
چاهها را درست میکنند و قراول کمکت شوالیه را

در خط یک کیل یک کیل قرار میدهند شواله چوبی است که
۴۵
بجمله تفنگ بر آن گذاشتن بسیارند قراولهای کمک برا
سیورسات و خدمات دیگر در عقب حاکمها جمع میشوند و گاهی
در خدمت میباشند خانها را میسازند اگر نزدیک شمشیر
قراولان با اسلحه میمانند تا رسیدن قراولهای کمک
اینصورت لازم است بجهت تقویت بانها از هر دست چند نفر
بفرستند در سواره پدق بطریق عاریه بدار و غنیمت
بهر دست قدری عقب تر از جالی که اسبهاشان را می بندند
میروند و آنجا یک صف می بنند چنانچه در قانون نامه قرار
داده اند آنوقت از اسبان فرود آمده بعضی از سواران اسبها را
نگاه میدارند دیگران بعد از آنکه اسلحشان را چاکه کردند اسبها را
می بندند و بایحتاج خود را فراهم می آورند بعد از آن

شروع بخانه ساختن می کنند همگی که خانه را ساختند کس
اسلحه خود را بطرفی می گذارد که از باران محفوظ باشد بعد از آن

پسند و امثال سر منک می پزند غره پست سیم در تعلیم کیم

ترسیم یک اردو اصطلاحات سرو فرنت و جنب و یمن و

بسیار و قطار و صف و شبان است اندازنای اردو مقدارش

بقدم و پایی است که هر سه قدم مقابل و متر است اندازه

اردو همیشه مساوی بفرنت سپاهی است که در آن اردو

خانه نامواقی اخراجی که در آنها نخاوه میشود در بزرگی تغییر

میکنند اما هر چه بزرگتر ساحه شوند بهتر است خانه را که

برای پست نفر می سازند بهشت قدم عرض ده قدم طول باید

داشت باشد و برای شانزده نفر بهشت قدم عرض در

قدم طول است و برای هشت نفر چهار قدم عرض در هشت قدم

طول و خانه سواره بجهت زمین که گشتن عدد او مش کمتر باید
باشد ترتیب خانه بقطار و بصفا است و عدد صفها موافق
قوة دستها و اسکا در آنهاست موافق اندازه خانه تیر
میکند مژه پست چهارم اردوی پیاده هر دست پیاده
و قطار خانه دارد که فاصله قطار با یک کوه بزرگی است
که عرض بسته باندازه فرنت قشون است و کمتر از پنج قدم
نباید باشد و فاصله دستها از یکدیگر یک کوه کوچک است
که عرضش و قدم است قطار اول و آخر یک باطلین
طاق است و فاصله میان باطلین آنها مثل و شش
پست و چهار قدم است خانه نیکه برای پست نفر ناشناخته
نفر سرباز است ضلع دراز ترش بطرف وسط اردو است و
درش در ضلع کوتاه تر بطرف فرنت اردو است فاصله

نوع ۲۴
هر صف در این صورت یک گوشه است که عرضش
پنج قدم است چنانچه در شکل اول از نقشه دوم مکرر شده

میشود برای اینکه امتداد از فرنت اردوی پیاده تا بوسط
زیاده نشود ضلع بزرگتر خانه را وقتیکه برای هشت نفر است
مقابل فرنت اردو میکنند و درش را بطرف گوشه بزرگ
میکذارند در این صورت فاصله صفها از یکدیگر سه قدم شود
شوالها را یعنی چوبها نیکی تفکک بر آنها میکند از پانزده قدم
پیش روی صف اول خانه را میکند از هر دو ستون و شواله
در پیش روی مکرر نشن دارد فاصله میان شوالها موافق
بعد فرنت مختلف میشود پس در او در همان خطی که شوالها
هستند نصب میکنند آتش پر خانه را است قدم عقب
صف آخر خانه را قرار میدهند خانه های تا مزر کوچک

۴۴
وارد و بازاری میست قدم عقب تر از شش بر خاهاست
خانه صاحب منصبهای دسته راست قدم عقب تر و
خاها می اما تر راست قدم عقب تر از خانه صاحب
منصب دسته قرار میدهند صاحب منصبهای دسته
در وسط همان دسته منزل میکنند سلطان بر است تا
اول و دوم در یک خانه بچپ جا میکنند هر یک با طالیان
همیشه جایش عقب دسته چهارم با طالیان است
اجودان یا در عقب دسته دوم و جراح عقب دسته
میشم می افتد بر سبک و یا در عقب مرکز فوج
جا میکنند بطریق که هیچ خلیتی در فاصله نیست
با طالیان آنهانداشته باشند این فاصله همیشه از مرتبه
تا مثنوی وارد و باید از ادب باشد ملازم خرمیه و پند قدر

نزدیک تر بنمک و در همان خط می افشند جای
 کرمها در خط خانه های تا متر در وسط باطالیان ^{ست} دویم است
 در صورتیکه فوج سه باطالیان باشد و عقب طرف راست
 باطالیان دویم است و متسیکه فوج دو باطالیان باشد
 کرمها یک پناه کشاده از طرف فرستارده دارند
 طول این پناه از برای یک فوج سه باطالیان ^{ست} می قدم است
 یک پناه کوچکتر بطرف راست این پناه برای صاف منصب
 قراول می سازند شواله برای تفنگهای کمر نه یکست
 بارشاع پیش روی پناه و شواله برای تفنگهای قراول
 چهار قدم عقب تر از شواله کمر نه است قراول نه کمر نه
 دوست قدم روی و بروی وسط فوج پیشتر از خط شواله ^{ست}
 و یک پناه باندازه قوتش دارد خانه های زندانیها چهار ^{قدم}

عقبه از این پناه است و ^{۴۶}ریک فوجی که اردویش در خط
دویم است پیش قراولخانه اش بقدر دو سیت قدم
عقب خانه های صاحب منصبان بزرگ است اسبهای ^حصنا
منصبان اتاثر فوج و اسبهای بنه پست و پنج قدم
عقبه از خانه های اتاثر است جای عراود باور همان
خطی است که اسبهای بنه است و نزدیک آنها جواد با
و سرکارها و عملها و همچنین سربازهای عراوده کش می افتد
مبرزهای قشون صد و پنجاه قدم پیش روی وسط براطها
و مبرز صاحب منصبان صد قدم عقب خط آخری ^{ست} آنها
دور آنها را با شاخهای برک دار چیرسکینند صورتش در شکل
از نقشه دویم مکرر است اول صورت یک اردو سیت که
خانه اش برای شانزده نفر است فرنت هرابطایان

دو سیت و سی و هشت قدم یا هشتصد و چهل نفر فرض شد
این اندازه را بصد و شصت و شش قدم میتوان پانین آورد باینکه
عرض کوچه های بزرگ را کم کنند تا با اندازه پنج قدم رسد اگر فرنت
اردوی یک یا طالیان را پیشتر بخواهند کم کنند اندازه برای هر دو
یک قطار خانه میدهند و دو دسته که یک کرومان میشود
فاصله شان بکوچه بزرگ است و فاصله کرومانها از هم
یک کوچه کوچک است در اردوی که در نقشه دوم قانون نامه
خانه ها ش برای هشت نفر است طرف را از ترش متوازی
بفرنت اردو است فرنت هر باطالیان دو سیت و سی و هشت
قدم فرض شده این اندازه را با صد و شصت و دو قدم میتوان پانین
آورد چند آنکه عرض کوچه های بزرگ را کم کنند تا به پنج قدم برسد
اگر فرنت اردوی باطالیان کمتر از صد و شصت و دو قدم باشد

هر دسته را یک قطار خانه می دهند کوچهای بزرگ جدا
میسازد و دسته را که یک کرویان میشود تو بخانه همیشه باید نزد
قشونی باشد که با او بسته است یقیناً در حالت تاخت باو
ملک کند و با اتفاق قشون محافظت اردو نماید قراولانی
که بجهت نگه داری قورخانه لازم است از تو بخانه می دهند اگر
قراول تو بخانه کفایت نکرده از پیادگان میدهند مگره پست
پنجم در قواعد دومی سواره در اردوی سواره بزرگاداران
دو قطار خانه دارند هر کرویان یک قطار و بزرگی خانه ها
هر قدر باشد طرف راز ترش متوازی بفرست اردو است
و در شهر در کوچیک هر قطار خانه است اسبهای هر
کرویان را یک صف می بندند بطوریکه رویشان بطرف
درهای خانه ها باشد و فاصله اسبان از قطار خانه های

کرومان سه قدم یا شش قدم است و فاصله میان قطارها
بطوری باشد که فوج بکرومان ستون بسیار و چنانچه صورتش
در شکل دوم از نقشه دوم مکرر است هر کرومان ستون میباشد
خط محلی باشد که اسبها شانرا باید ببندند از هر فاصله
یک کوچه عمودی حاصل میشود پهنای کوچه دوم هر اسکا در آن
پشترا اول هر فاصله است که باید اسکا در آنها را دروشتان
جدا کنند این فاصله در جمیع طول اردو همیشه مرعی و مقرر است
اسبان صف دوم هر یک بطرف چپ هر قطارشانست
اسبهای ناپهها بر است دست راست و اسبهای سلطان
فرمان ده بر است کرومان اول و اسبهای سلطان دوم
بر است کرومان دوم است چنانکه یک اسب را می بندند
دو قدم و نیم است پنج پای عدد اسبها نیکه در یک مرتبه

گذارشته است و طول اردویی سپاه و فاصله میان صفوف
 خانها را معین میکنند و عیقها را میان این صفها میکنند
 آشپزخانها پشت قدم پیش روی هر قطارخانه است
 و کیلیمای اسکادران جاشان در خانهای صف اول است
 خانه اتامر و عملها و کشته شدن اردو بازارچی درخت شوی
 صف آخر فوج است پناه دارد و غده در یک خط نزد یک مرکز
 فوج است و اسلحه کش در پناه است و پناه حایل و مانع است
 که در پیش و میازند برای اینکه محفوظ بمانند ضلع طول خانها
 صاحب منصبان عمود بفرنت اردو است و قرار آنها در دو
 صف است در عقب و در امتداد قطار خانهای فوج است
 صاحب منصبان اسکادران بفاصله سی قدم و خانه صاحب منصبان
 اتامر بسی قدم عقبتر و جایی سلطانها عقب است اسکادران

۵۰
ناپهای اول و دوم در عقب چپ رئیس اسکا در آن عقب
اسکا در آن خود است منزل سرنیک عقب مرکز فوج است
یا در بطرف راست او و او در آن بطرف چپ است خنجر
و نیز قداری به هم عقب یکی از اسکا در آن می راست است
اسبهای صاحب منصبان تا مرکز نزدیک بخانه‌ها
در همان خطی است که اسبهای اسکا در آن است اسبها
پسارخانه در یک صف بطرف راست یا بطرف چپ خنجر
ملازم خدمتکار اسبها در خانه‌ها می‌نشینند که یک قطار
مخصوص است پستار و دست یاران او با هم در صف
خانه‌های تا مرکز کوچکند جای آهنگرهای و عراده‌های دیگر
پسارخانه است جای مالهای بنه دارد و بازارچی در یک
صف یا در چند صف بارشاع خانه‌های تا مرکز و در خط

خانهای اسکاوران چپ یا اسکاوران راست است
پیش قراولخانه گزیده تخمبند و دست قدم پیش روی صف
اول خانهاست و عادات او بروی مرکز فوج است هر قدر
و صنع زمین مقتضی باشد قرارش مثل پیش قراولخانه
پیاده است اسبهایش را یک صف یا دو صف می
بندند مبرزهای فوج را صد و پنجاه قدم پیش از صف
اول خانها قرار میدهند و مبرز صاحب منصبان را
صد قدم عقب تر از خط خانهای اتاثر رود و مبرزان را
باشاخانهای درخت پرچین میکنند شکل دویم از نقشه
دویم مکرر در میان یک اردوی سواره است که خانها
برای چهارده نفر است فوج شش اسکاوران فرض
شده و هر اسکا درانی شصت و چهار قطار که فرست

۵۲
جمیع ششصد و نود و شش^{۵۲} قدم است چهار صد و

شصت و چهار متر و در آن پنج فاصله است اگر عدد

فوج کمتر باشد کم کردن عرض کوچه ها کفایت میکند

ممره پست و هشتم در میان ممالعت منزل گرفتن در

خانها خانها نیکه در اردوی یک بریکاد است هیچ

صاحب منصب نمیتواند در آنها منزل بکند یا اسبابش را

بگذارد اگر چه خالی باشند مگر بعضی اوقات باذن

صریح میرنج بریکاد که در انصورت با میرتومان بگوید

ممره پست و هشتم در قرار و ابط وقتیکه سردار قرار

دادن روابط را لازم دانست سرسنگها زمین را معلوم

میکند مذاق یا و رواج و دان یا و سردار این

کار را بهر فوج تقسیم میکند اسبابیکه در فوج نباشد

از قورخانه میهند سس میدهند یا معیوب باشد از قورخانه
پشت بند تو بخانه میدهند غره پشت و هشتم در اردوی
بی چادر و بی خانه که در فرانسه پواک یا منداردوهای بی
چادر و بی خانه را بهتر این است که در زمینهای خشک
و مسکون بپندازند و نزدیک بجایانی باشند که تحصیل
سیورسات مشکل نباشد و تکیه یک فوج سواره
اردوی بی چادر میاید داشته باشند سرنگ بعد از
گرفتن اندازه های خاطر جمعی آنها را موافق کنجایش محل
باین ترتیب جا میدهند فوج عقب محلیکه باید بپوشند
در دشت باشند سرنگ دشت تا از ابهره از جانب راست
قرار میدهند اسبهای هر دسته را چنانچه در اردو پیمان شده
در یک صف می بندند و تمام شب بازی می کنند

۵۱
تفکها یا نیزه را اول در عقب هر صف اسب چنان می‌کنند
که شمشیر با دهنها نیکو بآنها اوخته است به چانه‌های او نرسد
علیق اسبان را بطرف راست و درازی هر صف اسب
می‌گذارند از هر دو دسته دو قراول صطبل در پیش اسبها
می‌مانند هر دو دسته بطرف فرستاده و بفاصله پست قدم
از جانب چپ اسبها آتش می‌کنند و آدمها با طرف آن
می‌نشینند اگر وقت داشته باشند و ممکن باشد یک پناه
می‌سازند اسلحه و دهنه اسبها را در پناه می‌گذارند آتش
و پناه صحنه صبان در عقب خط سواران است فاصله که
میان اسکا در آنهاست در همه اردو باید مرعی و آزاد باشد
و فاصله میان پناها بقدری باشد که رفتن بجل خنک
برای دسته آسان باشد خواه در عقب اردو خواه

۵۵
پیش روی اردو باشد تیمار کردن و آب دادن
و سایر خدمات اسبان موافق فاصله میان اردو و
دشمن است زمانیکه زمین را میتوانست از پشت اسبان
بردارند در عقب اسبها بگذارد و برین پوش به بندند و
از دو نای بی چادر پیاده با آتش را در عقب خط چاهمتی ^{مسکنند}
بجایانیکه اگر چادر داشتند میزدند یا خانه سباحه در آنجا
بود و با طرف آن می نشستند و اگر ممکن باشد پناه می یافتند
و تکیه ترس شیخون زدن دشمن را داشته باشند پیش از
طلوع صبح پیاده با تفنگها را میگیرند و سوار با سوار میشوند
تا زمانیکه معلوم کنند اگر از هم رختن تفنگ بجهت پاک
کردن لازم شود بنوبه تفنگها را از هم رختن پاک میکنند
منزه پست و نهم در منزل گرفتن سواره و پیاده

در دما ت هر زمانیکه وقت داشته باشد و فاصله
 باد شمن بقدری باشد که وقت ضرورت بتوانند
 میدان جنگ حاضر شوند در این صورت برای اینکه
 اسبها را خوب متوجه شوند سواران را در دما ت
 منزل میدهند در صورتیکه منازل را در پیش مهتاب
 نکرده باشند بعد از ترتیب دشتیان اجودان
 یا در هر فوج منزل اسکا در آنها را مشخص میکنند
 و کسبها بزودی خانه‌هاییکه برای اسکا درانشان
 معین شده نشان میدهند بهتر این است که منزلها
 در محوطه و در میان خانه‌هایی باشد که طولیه بزرگ
 داشته باشد اگر طولیه‌ها یک میدان بزرگ در پیش
 رود داشته باشند دیگر بهتر است سر منبک یک محوطه

بجته اجتماع شکر منظور میدارد اگر چه ترش از
دشمن داشته باشد و آن محل باید که پروند ده
باشد و مخزنها را میگذارد و یک کزنگاه
بدانست و یکر معین کند که اطراف آن برای
گذر کردن دشمن مشکل باشد و تسک احکام
متعلق بخدمت تقسیم و کوچ داده شد اجودان
یا ورق را و لیاها را ترتیب داده پدق را بهتری
کرمه بمنزل سترهنک میفرستد رئیس اسکاوران
هفته قراول در یک طویل مخصوص باو بایک
کاسکه خانه میگذارد و قرار اول بزرگ را
خود سترهنک با اتفاق یاور میدهد و بعضی
اوقات یک قراول بجای میبلند میگذارند

۵۸
برای آنکه اگر دشمن نزدیک شود به ترفند
اجبار کند قرا و خانها را که ترتیب دادند
اسکادرانها با سلطانهای خود پیش روی
منزلشان میروند اگر احتیاط کردن لازم باشد
سوارها و رطوبتها میخوانند و چپورچها با وکیل
باشیهها یا نزدیک با آنها منزل میکنند و حالتیکه
میتوانند خانها را درست تقسیم کنند صاحب
منصبان یک تقسیم مساوی برای اسکادرانها
میکند و همان ساعت گاه و غلف با سببان
داوده شود و ساعت بعد از رسیدن اسبها
بنوبه آب میدهند و بعد جو میدهند اگر
وقتی است که زمین را از پشت اسبان نمیکنند

۵۹
بگیرند عرق گیری اسبها را با علف میکنند و صورتیکه
ارو و چند روز بجائی بماند و قشون آرامی بگرد
سربسنگ برای اینک سواره را عا دست باین
دهد که همیشه حاضر باشند خبرهای دروغ نمیدهد
اگر در جمع شدن کوتاهی و شبلی کنند فوراً
بقراولشان می اندازد همین ترتیب برای
پیاده ها دینک در دما ت منزل میکنند بکار برده
میشود در نزدیکی بدشمن دسته ها با هم یا سهرهای
مرکب از دسته در خانها منزل میگیرند و وقت
طلوع صبح طبل حاضر باش زده همه با سلاح
جمع میشوند و قتی که سواره و پیاده در یک
باشند کشیک روز با سواره است و کشیک

شب بایاده نمره سی ام در قاعده افتادن
 بدئات و متسیکه قشون در مقابل دشمن بدیه
 افتاده باشد بواسطه پیش قراول و مواضع
 طبیعی یا مواضع مصنوعی حفظ خود را باید بکند
 اما مواضع طبیعی مانند رودخانه و دره و جنگل
 و غیره است اما مواضع مصنوعی مانند سنگر و خندق
 و غیره است اگر در دره بعد از جنگ یا وقت
 متارکه افتاده باشند بقدر امکان عقب
 یک خط دفاع منزل کنند و در وقت حمل
 پیش روی منزلها جمع شوند و طرح ریزی در
 هرگز و مانرا امیر تو مانها میکنند و طرح ریزی
 دور هر بریکا در امیر پنجهها و بقوج خود جای شتابانها

یا اسکا در آنها را نشان میدهند تیرسها در حالت
 نزدیکی بدشمن یا حمله او جای هر سپاهی را نشان
 میدهند مژه سی و یکم در قواعد اردوی صاحب
 منصبان جای صاحب منصبان بزرگ و در میان
 فوجشان است زمانیکه فوج در مقابل دشمن ایستاده است
 صاحب منصبان هم بی چادر باید باشند
 مژه سی و دوم در مشق دادن افواج بضر او دعات
 زمانیکه در آنجا باز میمانند سر منگها مشق را
 از حرکت یک باطلیان و یک اسکا دران
 تفصیل میدهند و جمع کردن افواج و بریکار
 اگر اردو را بطور کرومان زده باشند باذن
 امیر تومان است و اگر در دعات افشاده
 باله

باشند موافق قرارنامه مبسوط باذن میرپنجهاست

و مشق تیراندازی و نشان زدن باذن سردار است

و در این رساله قواعد اردو که آنرا رساله معکریه

نام آنها دیم بجهت تسهیل تفهیم افواج نظام و صاحب

منصبان همین قدر کافی است و تقاضی آن در کتب

علیه متعلین مدرسه دارالفنون مطبوع است

که در کتب متداوله مشرود عامر قوم خواهد یافت

تمه







سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



۵
۹

۵۵۴۳



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

